

Research Paper

Exploring the Role of Political Power and Influence in the Policy Agenda Setting Process



Javad Madani^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Public Administration and Tourism, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (*Corresponding Author).

email: j.madani@uma.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2025.351178.1439

Received: 19/08/2024

Accepted: 16/11/2024

Abstract

Purpose: The main purpose of this article is to explore and explain the role of political power and influence in the agenda-setting process of public policy. Since agenda-setting is considered the most sensitive and crucial stage in the policy-making cycle—one that determines the overall direction of future policies—this study seeks to analyze how political power and influence operate as key mechanisms in this process. Referring to the existing gap in the literature, where limited attention has been paid to the practical manifestation of political power and influence, the study aims to identify the main indicators and components of this role and provide a deeper understanding of how different actors can guide or divert the policy agenda.

Methodology: This research employed a sequential mixed-method design with unequal weighting across three phases: qualitative–qualitative–quantitative. The research process began with an online expert panel to identify key thematic axes, followed by the application of grounded theory and in-depth interviews to develop a conceptual model. Finally, a modified Delphi method was used to quantitatively validate the components of the derived model. Data were collected with the participation of various groups of experts in these phases. The sample size in the qualitative phases was determined by the principle of theoretical saturation, while in the quantitative phase, eight experts were purposefully selected. This methodological approach enabled a comprehensive exploration and validation of the role of political power and influence in the agenda-setting process of public policy.

Findings: Using a sequential mixed approach (qualitative–quantitative), this research investigated the role of political power and influence in the agenda-setting process of public policy. In the qualitative phase, based on grounded theory, data obtained from in-depth interviews with experts were analyzed, leading to the identification of 241 open codes, 63 axial codes, and 19 selective codes. Accordingly, the final model was developed in the form of a qualitative paradigm encompassing six main dimensions: causal conditions (such as type of governance system, government programs, and the role of interest groups), contextual factors (such as political–social



dynamics and public interest orientation), the core category (the mechanism of power influence in agenda-setting), strategies (including discourse formation and broad participation), intervening conditions (such as lobbying and the use of political mechanisms), and consequences (including positive outcomes like process coherence and negative outcomes such as political polarization). In the quantitative phase, using the modified Delphi method, the identified components were confirmed and prioritized by eight experts. The results indicated that the components “role of interest and influential groups” and “use of political mechanisms” were the most influential factors, while components such as “type of policy-making model” received the lowest priority. The findings demonstrate that political power can act both as a facilitator and as a disrupting factor in the agenda-setting process, and its success depends on managing institutional and social contexts.

Conclusion: The study shows that political power and influence, as a key mechanism, play a dual role in the agenda-setting process of public policy. On one hand, they can lead to positive outcomes through coordination, consensus-building, and advancing complex policy issues; on the other hand, in the absence of proper management, they may result in polarization, process deviation, and the emergence of partisan policies. The findings suggest that to mitigate the negative effects and strengthen the constructive aspects of this influence, strategies such as enhancing transparency, reinforcing institutional accountability, and encouraging elite participation within a contingency-based management framework are essential and strategic.

Keywords: Policy, Agenda setting, Political Power and Influence, Mixed Study.

Citation: Madani, J. (2025). Exploring the Role of Political Power and Influence in the Policy Agenda Setting Process. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 8(1), 1–21.

واکاوی نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی



جواد معدنی^۱*

۱. استادیار، گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (*نویسنده مسئول).
email: j.madani@uma.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2025.351178.1439

چکیده

هدف: هدف اصلی این مقاله، واکاوی نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی عمومی است. از آنجا که تنظیم دستور کار حساس‌ترین و حیاتی‌ترین مرحله از چرخه خطمشی‌گذاری به شمار می‌آید و جهت و مسیر کلی خطمشی‌های آتی را تعیین می‌کند، این پژوهش در پی آن است که چگونگی تأثیرگذاری قدرت و نفوذ سیاسی را به عنوان یک سازوکار کلیدی در این فرایند تحلیل کند. مقاله با استناد به شکاف موجود در ادبیات موضوع، که در آن توجه محدودی به تجلی عملی قدرت و نفوذ سیاسی شده است، درصدد است با شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های این نقش، درک عمیق‌تری از چگونگی هدایت یا انحراف دستور کار تحت تأثیر بازیگران مختلف ارائه دهد.

روش‌شناسی: این پژوهش از طرح آمیخته متوالی با وزن نابرابر در سه مرحله کیفی-کیفی-کمی بهره برده است. فرایند پژوهش با تشکیل پنل خبرگان آنلاین برای استخراج محورهای موضوعی کلیدی آغاز شد، سپس با به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد و انجام مصاحبه‌های عمیق، الگوی مفهومی تدوین گردید. در نهایت، از روش دلفی تعدیل‌شده برای اعتبارسنجی کمی اجزای الگوی به‌دست‌آمده استفاده شد. گردآوری داده‌ها با مشارکت گروه‌های مختلفی از خبرگان در این مرحله انجام گرفت. حجم نمونه در مراحل کیفی بر اساس قاعده اشباع نظری و در مرحله کمی به‌صورت هدفمند، با مشارکت هشت خبره تعیین شد. این رویکرد روش‌شناختی، امکان واکاوی و اعتبارسنجی جامع نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی را فراهم آورد.

یافته‌های پژوهش: این پژوهش با به‌کارگیری رویکرد ترکیبی متوالی (کیفی-کمی) به واکاوی نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی عمومی پرداخت. در مرحله کیفی و با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق با خبرگان تحلیل شد که منجر به شناسایی ۲۴۱ کد باز، ۶۳ کد محوری و ۱۹ کد انتخابی گردید. بر این اساس، الگوی نهایی پژوهش در قالب پارادایم کیفی شامل شش بُعد اصلی طراحی شد: شرایط علی (مانند نوع نظام حاکمیتی، برنامه‌های دولت و نقش گروه‌های ذی‌نفع)، زمینه (مانند

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

واژگان کلیدی:

خطمشی، تنظیم دستور کار، قدرت و نفوذ سیاسی، مطالعه ترکیبی.



جریان‌های سیاسی-اجتماعی و توجه به منفعت عامه، مقوله محوری (سازوکار تأثیرگذاری قدرت در تنظیم دستورکار)، راهبردها (از جمله گفتمان‌سازی و مشارکت همه‌جانبه)، شرایط مداخله‌گر (مانند لابی‌کردن و استفاده از سازوکارهای سیاسی) و پیامدها (شامل نتایج مثبت مانند انسجام فرایند و نتایج منفی مانند قطبیدگی سیاسی). در مرحله کمی و با اجرای روش دلفی تعدیل‌شده، مؤلفه‌های شناسایی‌شده مورد تأیید و اولویت‌بندی هشت خبره قرار گرفت. بر اساس نتایج، مؤلفه‌های «نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ» و «استفاده از سازوکارهای سیاسی» به عنوان مؤثرترین عوامل شناخته شدند، در حالی که مؤلفه‌هایی مانند «نوع الگوی خط‌مشی‌گذاری» کمترین اولویت را کسب کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که قدرت سیاسی می‌تواند هم به عنوان عامل تسهیل‌گر و هم به عنوان عامل مختل‌کننده در فرایند تنظیم دستورکار عمل کند و موفقیت آن منوط به مدیریت زمینه‌های نهادی و اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان می‌دهد که قدرت و نفوذ سیاسی، به عنوان یک سازوکار کلیدی، نقش دوگانه‌ای در فرایند تنظیم دستورکار خط‌مشی عمومی ایفا می‌کند. از یک سو، می‌تواند با ایجاد هماهنگی، اجماع و پیشبرد امور پیچیده، به پیامدهای مثبت منجر شود و از سوی دیگر، در صورت فقدان مدیریت صحیح، سبب قطبیدگی، تغییر جهت فرایند و شکل‌گیری خط‌مشی‌های جناحی گردد. یافته‌ها مؤید آن است که برای مهار تبعات منفی و تقویت آثار سازنده این نفوذ، اتخاذ راهبردهایی همچون شفاف‌سازی، تقویت مسئولیت‌پذیری نهادها و بهره‌گیری از مشارکت نخبگان در قالب یک مدیریت اقتضایی، امری ضروری و راهبردی است.

استناد: معدنی، جواد (۱۴۰۴). واکاوی نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خط‌مشی. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۸(۱)، ۲۱-۱.

مقدمه

خطمشی‌گذاری فرایندی پویا است که شامل تأثیر متقابل عوامل مختلف است که قدرت و نفوذ سیاسی - که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی آن است - در مرکز این فرایند قرار دارد (Erasmus & Gilson, 2008). تنظیم دستورکار خطمشی، حساس‌ترین مرحله از چرخه خطمشی‌ها است که به شیوه پیدا شدن یا نشدن مسائل، به‌گونه‌ای که شایسته توجه حکومت‌ها باشد، می‌پردازد. آنچه در این مرحله از فرایند خطمشی روی می‌دهد، بر کل مراحل بعدی چرخه خطمشی و پیامدهای آن اثری قطعی دارد (ابوالحسنی رنجبر و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع، این مرحله از اولین مراحل فرایند خطمشی‌گذاری است که به‌عنوان حیاتی‌ترین مراحل آن محسوب می‌شود. دستورکار نشان می‌دهد یک مسئله چگونه در سطح جامعه مطرح شده و سازمان مسئول، آن را برای تجزیه و تحلیل و یافتن راه‌حل در اولویت بررسی قرار می‌دهد (دانشفرد، ۱۳۹۵). در این فرایند، «افراد، گروه‌ها، احزاب، سازمان‌ها و اқشار» مختلفی ایفای نقش کرده که هر یک به‌منظور دستیابی به اهداف و منافع مورد نظرشان تلاش می‌کنند (Dye, 2017). یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که در حین این فرایند به آن متوسل می‌شوند، نفوذ و قدرت سیاسی است. در واقع، افراد و گروه‌ها به دنبال این هستند که از طریق قدرت و نفوذ سیاسی، بر فرایند تنظیم دستورکار خطمشی‌ها تأثیر بگذارند (Šálka et al., 2016)؛ اما این که تأثیر و تأثرات حاصل از آن به چه صورت است، مقوله‌ای است که نیازمند تحلیل و بررسی‌های مختلفی است. کشورهای دارای زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناسی مختلفی هستند که هر یک از این زمینه‌ها، مسبب تفاوت و تنوع در سازوکار و فرایند خطمشی‌گذاری آن‌هاست. مرحله تنظیم دستورکار نیز از این مقوله مجزا نیست. دستورکار خطمشی، متشکل از ایده‌ها و موضوعاتی است که نهادها و سازمان‌ها در هر زمان به آن توجه جدی می‌کنند تا به نوعی اقدام کنند (Pillay & Skordis, 2013). پس به‌عبارتی، این مرحله به‌عنوان یکی از مراحل اولیه و آغازین فرایند خطمشی‌گذاری است و جهت و مسیر خطمشی‌ها را هدایت می‌کند. از طرفی، اگرچه قدرت و نفوذ سیاسی نقش عمیقی در خطمشی‌گذاری دارد اما شواهد تجربی نشان می‌دهند که تحلیل خطمشی توجه محدودی به موضوع قدرت و نفوذ سیاسی دارند (Gilson & Raphaely, 2008). علاوه بر این، مفاهیم قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند دستورکار خطمشی به ندرت مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ زیرا این امر دشوار است و به ترکیبی از شواهد تجربی و نظریه‌پردازی نیاز دارد. همچنین، تعریف قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی نیز مبهم است، به‌ویژه هنگامی که در اصطلاح عملیاتی برای پژوهش استفاده می‌شود (Mwisongo et al., 2016).

علی‌رغم موارد فوق، حکومت‌ها و دولت‌ها به‌دلایل متعددی با مسائل زیادی مواجه هستند و این موارد در فرایند تنظیم دستورکار تأثیرات بسیاری را به بار می‌آورند. در این میان، نقش قدرت و نفوذ سیاسی بسیار پررنگ می‌شود. این بحث می‌تواند در جامعه (دستورکار عمومی)، در رسانه‌ها (دستورکار رسانه‌ها) و در نهادهای دولتی (برنامه کاری سیاسی) و... صورت گیرد. تعداد موضوعات قابل‌بحث در این مجامع بسیار است و بنابراین هر موضوعی در دستورکار قرار نمی‌گیرد. همچنین، مسائل متعددی وجود دارند که دولت‌ها موظف به بررسی و حل و فصل آن‌ها هستند. خطمشی‌های عمومی ابزار تحقق این هدف قاطعانه با تبدیل مجموعه‌ای از ایده‌های توافق شده به اقدامات هستند. «قدرت و نفوذ سیاسی» نقش اصلی را در این زمینه ایفا می‌کنند و می‌توانند نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. بنابراین، با توجه به این نقش مهم، مسائل مربوط به قدرت و نفوذ سیاسی را نباید نادیده گرفت یا آن‌ها را از فرایند تدوین دستورکار خطمشی عمومی منزوی کرد؛ فرایندی که طبیعتاً مناقشه‌برانگیز است زیرا مجموعه گسترده‌ای از بازیگران را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، در هر سطح از فرایند تنظیم دستورکار، هر مجموعه‌ای از بازیگران از میزان مختلف و متفاوتی از قدرت و نفوذ برای تأثیرگذاری بر این فرایند استفاده می‌کنند. به همین دلیل است که برخی از بازیگران، قدرتمندتر از سایرین به نظر می‌رسند، در حالی که برخی دیگر، عمدتاً غیررسمی به نظر می‌رسند و نسبتاً ناتوان یا نسبتاً تأثیرگذار هستند. قدرت سیاسی و نفوذ می‌تواند همانند یک شمشیر دولبه برخی از مسائل را وارد فرایند تنظیم دستورکار کرده و یا مسائل دیگر را از دستورکار خارج کند. در واقع، این سازوکار می‌تواند مسبب برخی تغییرات اساسی در فرایند شده و از این گذشته، یک رویکرد با چنین تأثیری در جامعه، مطمئناً بیشتر از آنچه که در مورد آن بحث می‌شود تأثیر می‌گذارد. با این حال، واقعیت پیچیده‌تر است و با این حقیقت شروع می‌شود که

ممکن است جامعه یک رویداد را به گونه‌ای تلقی کند که مدنظر افراد و گروه‌هایی است که قدرت و نفوذ سیاسی بالایی دارند، و آن‌ها توانسته باشند با این سازوکار، در اذهان و تصمیمات مردم نیز مداخله کرده و آن را تحت تأثیر قرار دهند؛ و یا این که رویکردهایی را سبب شود که پیامدهای خوب و مثبتی را برای جامعه داشته باشد. تمام این موارد، مسائلی را سبب می‌شوند که هریک می‌توانند سرنوشت مردم و کشور را تغییر دهند. این مقوله، خود گویای اهمیت و ضرورت تبیین نقش قدرت سیاسی و نفوذ در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی است و بایستی به خوبی تبیین شده و مشخص شود در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی چه نقش‌هایی را دارد. این نقش، از چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی تشکیل شده است. از همین رو، هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی و تبیین نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی است. در بخش بعدی، به پیشینه پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

قدرت و نفوذ سیاسی

قدرت و نفوذ سیاسی یکی از مباحثی است که دارای پیشینه پژوهشی طولانی و زیادی است که از علوم سیاسی به دانش خطمشی‌گذاری راه یافته است. در ساده‌ترین تعریف، در مورد بازیگران وقتی به قدرت و نفوذ فکر می‌کنیم، ممکن است در ابتدا به این فکر کنیم که چگونه دولت‌ها و گروه‌های قدرتمند جامعه می‌توانند مردم را مجبور به انجام کارهایی کنند که اغلب برخلاف میل‌شان است (Šálka et al., 2016).

برخی از نویسندگان، قدرت و نفوذ سیاسی را به عنوان توانایی یک بازیگر برای تأثیرگذاری بر بازیگران دیگر برای دستیابی به یک نتیجه سیاسی می‌دانند. آن‌ها کنشگر را به عنوان یک شیء در نظر می‌گیرند که در فرایند تدوین و اجرای خطمشی گنجانده شده است، جایی که تدوین و اجرا به عنوان نتیجه مداخله بازیگران در نظر گرفته می‌شود. این بازیگران می‌توانند افراد یا سازمان‌ها باشند (Krott et al., 2013). آرتس و ون تاتنهو (۲۰۰۴)، قدرت و نفوذ سیاسی را به عنوان ظرفیت سازمانی و گفتمانی نهادها و سازمان‌ها، چه در رقابت با یکدیگر یا به طور مشترک، برای دستیابی به نتایج تعریف می‌کنند، ظرفیتی که با این حال، توسط قدرت ساختاری آن‌ها تعیین می‌شود (Arts & Van Tatenhove, 2004). در این رابطه نوع‌شناسی‌ها و دسته‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. اما نزدیکترین دسته‌بندی‌ای که در این زمینه ارائه شده است، قدرت و نفوذ سیاسی را به دو نوع «رسمی و غیررسمی» تقسیم‌بندی می‌کند. نظریه‌های سازمان هر دو جنبه رسمی (هنجاری، تجویزی) و غیررسمی (ذهنی، انسان‌محور) آن را بررسی می‌کنند (Clegg, 1989; Scott, 2001). قدرت رسمی یا قدرت هنجاری ناشی از قانون اساسی است، به ویژه حقوق اساسی بشر که آزادی‌تشکل‌ها و مشارکت آن‌ها را در روند سیاسی اعطا می‌کند. قدرت غیررسمی معمولاً از بازیگران فعالی که درگیر خطمشی‌گذاری هستند، ناشی می‌شود (Šálka et al., 2016). فرایند تنظیم دستور کار خطمشی برای این بازیگران بسیار مهم و حیاتی است و به همین دلیل، سعی می‌کنند در آن دخالت کنند. قدرت و نفوذ سیاسی یکی از مؤثرترین سازوکارهایی است که با استفاده از آن در این فرایند وارد می‌شوند. در ادامه، به مبانی و مفاهیم مرتبط با این حوزه اشاره می‌شود.

فرایند تنظیم دستور کار

فرایند تنظیم دستور کار یکی از مراحل اصلی و حیاتی خطمشی‌گذاری است. اگرچه، به ندرت پیش می‌آید که فرایند خطمشی‌گذاری از یک رویکرد متوالی یا گام‌به‌گام پیروی کند، اما اکثر اندیشمندان، فرایند خطمشی‌گذاری را به مراحل ذیل تقسیم می‌کنند: شناسایی مسئله، تنظیم دستور کار، تدوین خطمشی، تصمیم‌گیری، اجرای خطمشی و ارزیابی آن (DeLeon, 1999; Howlett and Cashore, 2014; Dye, 2017). فرایند تنظیم دستور کار اولین مرحله‌ای است که موجب می‌شود مجموعه وسیع‌تری از بازیگران وارد فرایند خطمشی شده و آن را تحت تأثیر قرار دهند (Kugelberg et al., 2021). دستور کار فهرستی از ایده‌ها و موضوعاتی است که در مورد آن‌ها بحث شده و گاهی اوقات درباره آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. این بحث می‌تواند در جامعه (دستور کار عمومی)، در

رسانه‌ها (دستور کار رسانه‌ها) و در نهادهای دولتی (دستور کار سیاسی) و... صورت گیرد (Resodihardjo, 2022). هنگامی که یک موضوع در دستور کار قرار می‌گیرد، ارائه گزینه‌های مناسب خط‌مشی - که برخی ممکن است آن‌ها را راه‌حل بدانند- برای حل و فصل مسائل عمومی هدایت می‌شوند. به این ترتیب ما از میان چند گزینه به سمت انتخاب‌های جایگزین در خط‌مشی می‌رویم. این کار، به نوعی انتخاب ابزارهای خط‌مشی است که برای حل و فصل مسئله از آن‌ها استفاده خواهیم کرد. پس از آن خط‌مشی‌ها "قانونی" و تدوین می‌شوند؛ یعنی، تصویب^۱ می‌شوند. پس از اتخاذ این تصمیم، خط‌مشی اجرا می‌شود، و بعد از اجراء ارزیابی شده و نتایج ارزیابی «بازخوردی» را به فرایند شروع دوباره ارائه می‌دهد (Birkland, 2019). در رابطه با این که فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی از چه مراحل تشکیل شده است، نظرات مختلفی وجود دارد. یکی از جامع‌ترین و اصلی‌ترین این مبانی، این مراحل را در موارد ذیل در نظر می‌گیرد (Capano & Howlett, 2020):

اولین قدم، هدف‌گذاری است. این که هدف از مرحله تعیین دستور کار این است که مشخص شود مسئله یا مسائل اصلی چه مواردی هستند و چرا دولت باید مداخله کند. دومین مرحله، شناسایی و تعریف مسئله عمومی است. این که مسئله یا مسائل به خوبی شناسایی شده و تمامی ابعاد و جوانب آن مورد بررسی و شناسایی قرار گیرند. مرحله سوم، پیش بینی یا در نظرگیری راه‌حل‌های ممکن است. این که راه‌حل قانونی چیست، یا راه‌حل قابل قبول برای مسئله یا مسائل چه مواردی هستند. مرحله چهارم، تبیین و تجزیه و تحلیل مسئله جهت ورود به گام دوم چرخه خط‌مشی‌گذاری است. در این مرحله مسئله یا مسائل اصلی به طور دقیق و واضح معرفی شده و به گام دوم چرخه خط‌مشی راه می‌یابند (Capano & Howlett, 2020).

اندیشمندان معتقدند که چند عامل در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی بسیار مهم و مؤثر هستند که در ادامه -به دلیل جلوگیری از طولانی شدن مباحث- این موارد در جدول ۱ توضیح داده می‌شوند.

جدول ۱. عوامل کلیدی و مؤثر در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی

عامل کلیدی	توضیح
شناسایی و تعریف مسئله	اساسی‌ترین و مهم‌ترین فرایندی است که در آن مسائل و مشکلات در جامعه، سازمان، نهاد و... تعریف می‌شوند (Dye, 2017; Howlett et al., 2020; Birkland, 2019; Niemeier, 2021; Sokolowski & Heffron, 2022).
مشارکت عامه و نهادها	در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی؛ نهادها، سازمان‌ها، گروه‌ها، احزاب، ذی‌نفعان و اقلی جامعه مشارکت می‌کنند. شرط این همکاری و مشارکت، "قانونی و مشروع بودن" ایده‌ها و (Dye, 2017; Glass & Newig, 2019; De LaCruz et al., 2020; Perlaviciute & Squintani, 2020; Xu et al., 2021).
ائتلاف احزاب و گروه‌ها	به هم پیوستن گروه‌ها و اتخاذ استراتژی‌های شان برای "تغییر، ایجاد، حذف و حتی شکل دادن" مسائل برای ورود به فرایند تنظیم دستور کار؛ غیرقابل چشم‌پوشی است (Dye, 2017; Birkland, 2019; Pralle, 2003, 2006).
خبرگان	در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی، خبرگان (متخصصان، پژوهشگران، مطلعان، مشاوران، سیاست‌مداران، مقامات، کارگزاران اجرایی) به عنوان عوامل و اجزای کلیدی هستند (Howlett et al., 2020; Perlaviciute & Squintani, 2020).
شرایط و موقعیت‌ها	شرایط و موقعیت‌ها می‌توانند به مرور زمان به مسائل تبدیل شوند و در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی قرار گیرند، و همواره تلاش‌های دقیق و واقع‌بینانه‌ای در راستای حل آن‌ها احساس می‌شود (Birkland, 2019; Goodkind, 2018; Lifson, 2000; Lilley, 1998).

^۱. Enactment

عامل کلیدی	توضیح
رویدادهای مهم ^۱	در فرایند تنظیم دستور کار، یک رویداد ناگهانی است که می‌تواند توجه را به مشکلات یا مسائل عمومی به‌ویژه مسائل و مشکلاتی که در واقع یا بالقوه مضر هستند، جلب کند (Birkland, 2019; Tortajada et al., 2021; Montebianco, 2021).
نمادها ^۲	نماد، یعنی چیزی که نشانی از مفهومی به ما می‌دهد. در فرایند تنظیم دستور کار، نمادها می‌توانند هم بحث‌برانگیز و هم تسهیل‌کننده باشند (Dye, 2017; Stone, 2011; Franke, 1987).
فرهنگ، عقاید و ارزش‌ها	برخی از ایده‌ها و موضوعات در فرایند تنظیم دستور کار قرار می‌گیرند؛ زیرا مفاهیم و مباحث ارزشی چون: فرهنگ، عقاید و ارزش‌ها، و حتی تعصبات اجازه می‌دهد تا آن‌ها مطرح شوند (Birkland, 2019; Hiratsuka, 2018; Vance et al., 2020).
اعداد و ارقام به‌عنوان شاخص‌های مسائل	در بسیاری از مواقع، اعداد و ارقام اغلب به‌عنوان مقوله‌هایی مهم و حیاتی در فرایند تنظیم دستور کار در نظر گرفته می‌شوند (Stone, 2011; Freedman and Wachter, 2001; Choldin, 1997; Martin et al., 1987).

قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی‌ها

لازم به ذکر است که مفهوم قدرت و نفوذ سیاسی یک حوزه وسیع و دامنه‌دار است که ابعاد و مؤلفه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. در ادامه، صرفاً به مبانی‌ای اشاره خواهد شد که در حوزه فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی‌ها و مباحث متعاقب آن است. تنظیم دستور کار یکی از مراحل کلیدی در چرخه خط‌مشی‌گذاری است؛ به این معنا که فرایند تنظیم دستور کار با مسائل قدرت و نفوذ سیاسی و در نتیجه با تغییرات ساختاری بلندمدت مرتبط است (Bacevic & Nokkala, 2018).

همان‌طور که در قبل نیز مرور شد، قدرت و نفوذ سیاسی در قدرت و نفوذ گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و... مورد توجه قرار می‌گیرد. براساس نظر اندیشمندان، قدرت آن‌ها در فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی‌ها صرفاً بسته به این نیست که کدام‌شان درخواست شیواتری دارد یا متقاعدکننده‌تر صحبت می‌کند (Birkland, 2019) بلکه عوامل مختلفی در ایجاد نفوذ و دخالت در فرایند دستور کار خط‌مشی‌ها دخیل هستند که در ادامه به مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود. در برخی از کشورها، به دلیل وسعت جغرافیایی و جمعیتی بالا، فرایند حکمرانی‌شان با پیچیدگی و گستردگی بسیاری همراه است. وجود استان‌های بسیار و مناطق محلی فراوان موجب می‌شود که تعدد مسائل، ایده‌ها و راهکارها در دستور کار قابل توجه باشند (Prall, 2013). در کشورهای دیگر، نوع نظام سیاسی تعیین‌کننده این مورد است که برخی از گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و... از سایرین قدرت بیشتری دارند؛ به این معنا که آن‌ها بهتر از بقیه قادر به تأثیرگذاری بر فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی هستند (Alston et al., 2006). این استدلال، مدل نخبگان از خط‌مشی‌گذاری را نشان می‌دهد که در آن افراد نسبتاً معدودی تصمیمات مهم مؤثر بر خط‌مشی‌های عمومی را می‌گیرند (Dye, 2017). و یا اینکه گروه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... یا گروه‌های ذی‌نفع مختلفی به منظور ارضای منافع و دستیابی به اهداف خود در فرایند مداخله یا مشارکت کنند. برخی از گروه‌ها قدرتمندتر از گروه‌های دیگر هستند، به این معنا که بهتر می‌توانند بر نتایج فرایند تأثیر بگذارند (Šálka et al., 2016). اما مفهوم قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار بیش از این‌هاست. این مفهوم، به این دلیل است که "انواع" قدرت و نفوذ سیاسی، تأثیرگذاری‌های مختلفی بر فرایند تنظیم دستور کار خط‌مشی‌ها دارند. اولین نوع آن، قدرت اجباری است. در اولین چهره قدرت، "A" در تصمیم‌گیری‌هایی که بر "B" اثر می‌گذارد "شرکت می‌کند. حتی اگر B تصمیمات یا پیامدهای آن‌ها را دوست نداشته باشد. این نوعی قدرت کلاسیک است که در رژیم‌های استبدادی است که در آن دولت و حامیان آن،

1. Focusing events

2. Symbols

Schneider and Ingram, 1993; Dahl,) می‌کنند (1961).
خط‌مشی‌هایی را بدون ورود یا حتی تأیید آن‌ها بر شهروندان خود تحمیل می‌کنند (

در چهره دوم قدرت و نفوذ، A موجب می‌شود تا مباحث و منافع B در فرایند دستورکار و خط‌مشی‌گذاری قرار نگیرند. حتی اگر بازیگر B واقعاً بخواهد این موضوعات مطرح شوند. اما حتی چنین مسائلی نیز، با حمایت برخی از مردم می‌توانند در دستورکار قرار گیرند و ایده‌هایی سیاسی را ارائه کنند که در تضاد با حفظ وضع موجود است یا حداقل می‌خواهد خط‌مشی را به گونه‌ای متفاوت از بقیه تغییر دهد (Schneider and Ingram, 1993; Bachrach and Baratz, 1962). دیگر دانشمندان قدرت و نفوذ سیاسی، چهره سوم قدرت و نفوذ را درک کردند که تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای با چهره دوم قدرت دارد. وجه سوم به توانایی بازیگر برای جلوگیری از تشخیص منافع و علایق واقعی خود توسط بازیگران دیگر مربوط می‌شود. اولویت‌ها و ترجیحات بازیگران مختلف به‌حدی دستکاری می‌شود که ممکن است در واقع برخلاف منافع اساسی آن‌ها باشد (Birkland, 2019; Lukes, 1974).

قدرت و نفوذ سیاسی تأثیرات متفاوتی بر فرایند تنظیم دستورکار دارند. اولین و واضح‌ترین پیامد آن، تأثیرگذاری مستقیم و یا غیرمستقیم بر فرایند تنظیم دستورکار خط‌مشی است (Šálka et al., 2016). از دیگر تأثیرات آن می‌تواند تحمیل یکجانبه و اقتدارگرایانه برخی ایده‌ها و تصمیمات در فرایند دستورکار باشد که عمدتاً از دولت‌های اقتدارگرا نشأت می‌گیرد (Colak et al., 2020). یا این که مشارکت و همکاری را سبب شود (McCann et al., 2015). همچنین می‌تواند موجب سازماندهی و یا مهندسی مجدد مسائل شود (Brisbois, 2020). یا موجب انحصار و نفوذ مطلق برخی افراد، گروه‌ها و طیف‌ها و... شود (Thompson et al., 2020). یا ممکن است تغییرات ناگهانی و یک‌جانبه‌تری را در فرایند ایجاد کند (Colak et al., 2020; Maor, 2017). مثلاً ممکن است مواردی را موجب شوند که علت و سبب بروز فساد در نظام‌های سیاسی باشند (مصری و فرجوند، ۱۳۹۹).

نکته بسیار مهم و کلیدی در این حوزه موضوعی، مرتبط با بحث کلی قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خط‌مشی است که در بسیاری از پژوهش‌ها -مخصوصاً مبانی نظری فوق- صرفاً به بیان تأثیرات و رویکردهای گوناگون در آن اشاره شده است و پیوند ارتباطی آن‌ها صرفاً در قالب مباحث آکادمیک ایجاد شده است. اما در این پژوهش، با اتخاذ رویکردی جامع و ارتباط‌محور سعی شده است تا «نقش» قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خط‌مشی واکاوی و تبیین شود تا این خلأ نظری نیز مرتفع شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه‌ای است و از لحاظ روش پژوهش، آمیخته یا ترکیبی است. رویکرد ترکیبی آن، نسبی متوالی با وزن نابرابر^۱ است که در سه مرحله کیفی- کیفی- کمی انجام می‌شود. این طرح ترکیبی شامل دو یا سه مرحله کیفی و کمی است که به دنبال یکدیگر انجام می‌شوند و یکی از مرحله‌های کمی یا کیفی دارای اهمیت و وزن بیشتری است (سجادی و همکاران، ۱۳۹۲). در این پژوهش، به ترتیب از سه روش «پنل خبرگان (برخط)- نظریه داده‌بنیاد- دلفی تعدیل‌شده» استفاده شده است.

مرحله اول: روش کیفی پنل خبرگان

در بخش اول با استفاده از روش کیفی پنل خبرگان - به صورت آنالین- محورهای موضوعی^۲ استخراج شده‌اند و سپس در مرحله بعد، با استفاده از ابزارهایی چون مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، کدهای مربوطه به دست آمدند و کدها با روش نظریه داده‌بنیاد به الگو تبدیل شدند و سپس الگوی حاصله از نظر خبرگان مورد بررسی قرار گرفت و برای سنجش اجزای آن، در مورد روایی آن اعلام نظر شد. لازم به ذکر است که به منظور انجام مصاحبه‌های تخصصی و عمیق در چنین پژوهش‌هایی، ابتدا نیاز است تا محورهای موضوعی استخراج شود و در مرحله بعدی در قالب محورهای مصاحبه مورد استفاده قرار گیرند. محورهای موضوعی به‌عنوان عوامل جهت‌دهی در پژوهش‌ها هستند که نیاز است از منظر خبرگان آن حوزه مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند (Xiao &

1. Partially mixed sequential dominant status design

2. Thematic axes or Core topics

(Watson, 2019). به همین دلیل، در گام اول از روش پژوهش کیفی پنل خبرگان^۱ استفاده شد تا محورهای موضوعی استخراج شوند. سپس، محورهای موضوعی می‌توانند در مراحل بعدی مورد استفاده قرار گیرند. دلیل استفاده از این روش، به علت وجود اپیدمی کرونا است که به صورت مجازی از خبرگان امر احصا شد. پنل خبرگان (آنلاین) در پژوهش‌های کیفی برای تقویت گفتگو بین مطلعان یک حوزه، جمع‌آوری دیدگاه‌های متعدد و به حداکثر رساندن غنای داده‌های جمع‌آوری شده استفاده می‌شود (Creswell, 2018). پژوهش پنل خبرگان شیوه‌ای برای جمع‌آوری داده‌های کیفی است که افراد را در یک بحث گروهی غیررسمی (یا چندین بحث) پیرامون موضوعی خاص یا مجموعه‌ای از موضوعات وارد می‌کند (Williams et al., 2022). این روش از دو طریق حضوری و آنلاین قابل بررسی و انجام است (Khodyakov et al., 2011). به دلیل شیوع ویروس کرونا، پژوهشگران با استفاده از یکی از نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی از ۶ تن از خبرگان حوزه مدیریت دولتی (خط‌مشی‌گذاری عمومی) و علوم سیاسی (سیاست‌گذاری عمومی) مصاحبه به عمل آوردند؛ به این صورت که ابتدا از تعاملات مکالمه‌محور بهره برده شد و سپس در مرحله بعدی، فرایند تحلیل آن صورت گرفت که ابتدا نسخه‌برداری، سپس فهرست‌برداری و در نهایت هم ذخیره و بازیابی داده‌ها انجام شدند که به‌عنوان محورهای موضوعی در مرحله بعدی مورد استفاده قرار گرفتند.

پنل خبرگان که در زمره یکی از مهم‌ترین روش‌های کیفی است، می‌تواند همراستا و همگام با سایر روش‌های کیفی مورد استفاده قرار گیرد. روش‌های کیفی‌ای که می‌توان در راستای اطلاعات گردآوری شده روش پنل خبرگان انجام داد، عبارت از روش نظریه داده‌بنیاد و تحلیل مضمون است (Nowell et al., 2017). پیوند مفهومی و ارتباطی بین این روش‌ها موجب شده است تا پژوهشگر از روش نظریه داده‌بنیاد جهت تدوین الگو استفاده کند.

مرحله دوم: روش کیفی نظریه داده‌بنیاد

روش نظریه داده‌بنیاد، یک روش پژوهش کیفی است که برای اولین بار توسط گلیسر و استراوس^۲ در سال ۱۹۶۷ مطرح شد. این روش، داده‌های قابل توجه و بینش پژوهشی را برای بررسی امکان‌پذیر می‌کند و برای روشن‌سازی سازوکارهای اساسی برخی پدیده‌ها مفید است. بنابراین، برای ایجاد چارچوب‌های نظری در پژوهش‌های اولیه بسیار مناسب است (Zau et al., 2020). در این روش، شیوه کار به این صورت است که پژوهشگران باید با تجزیه و تحلیل مواردی که از مصاحبه‌ها استخراج می‌شوند به‌صورت جمله‌به‌جمله پیش بروند و اطلاعات حاصله را تا اشباع نظری تکمیل کنند و داده‌های اولیه بدست آمده را به‌صورت کدگذاری‌های «باز، محوری و انتخابی» دسته‌بندی کنند (Zhang et al., 2020; Corbin & Strauss, 2014; Charmaz, 2000).

مرحله سوم: روش کمی دلفی تعدیل‌شده

به‌طور خلاصه، با استفاده از روش پنل خبرگان (آنلاین) محورهای موضوعی استخراج شد تا به‌عنوان معیار جهت‌دهی و محور مصاحبه‌های روش نظریه داده‌بنیاد قرار گیرند. سپس با طی مراحل روش نظریه داده‌بنیاد، شاخص‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار در قالب الگو استخراج و احصا شدند که در شکل ۱ به تصویر کشیده شده‌اند. بعد از احصای الگو، در مرحله سوم - یعنی مرحله کمی پژوهش - با استفاده از روش کمی دلفی تعدیل‌شده، اجزا و مقوله‌های الگو از نظر خبرگان مورد بررسی قرار می‌گیرند و برای سنجش اجزای آن، در مورد روایی آن اعلام نظر می‌شود.

در هر مرحله از پژوهش، مشارکت‌کنندگان با شرایط و خصیصه‌های مختلفی مورد مصاحبه و بررسی قرار می‌گیرند. در مرحله اول که از روش پنل خبرگان (آنلاین) استفاده شده است، از ۶ تن از خبرگان علمی و اجرایی حوزه خط‌مشی‌گذاری و علوم سیاسی به‌صورت آنلاین استفاده شد که با استفاده از مراحل این روش کیفی، موضوعات محوری جهت انجام پژوهش استخراج شدند. این افراد دارای سابقه علمی (دانشگاهی) و اجرایی (اداری) در این حوزه‌های موضوعی هستند که با استفاده از این روش مورد مصاحبه قرار خواهند گرفت. در مرحله دوم - روش نظریه داده‌بنیاد - از خبرگان مجرب در زمینه دانش قدرت و نفوذ سیاسی و فرایند تنظیم

^۱. Expert panel

^۲. Glaser & Strauss

دستور کار خطامشی استفاده شد و به دلیل این که ماهیت دو حوزه تا حدودی به هم شباهت دارد، لذا از نمونه‌گیری هدفمند که یکی از روش‌های نمونه‌گیری کیفی است، بهره برده شد. هریک از موضوعات محوری استخراج‌شده از روش پنل خبرگان (آنلاین)، از خبرگان این مرحله مورد پرسش و بررسی قرار گرفت و تعداد نمونه‌ها با توجه به قاعده اشباع نظری تعیین شد که در نهایت، در حدود ۱۴ نفر از خبرگان مشارکت داشتند. در مرحله سوم که رویکرد کمی داشته، به منظور تأیید روایی مؤلفه‌های استخراج‌شده از روش دلفی تعدیل‌شده^۱ استفاده خواهد شد که سه دور متوالی، از ۸ نفر از خبرگان که جزء اساتید و پژوهشگران دانشگاه هستند که برخی از آن‌ها نیز در مصاحبه‌های مرحله قبلی مشارکت داشتند، به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. نتایج و نمرات آن‌ها در جدول ۵ به تفکیک اهمیت و اولویت آن‌ها در قالب رتبه‌بندی، آورده شده است.

در جدول ذیل، مشخصات و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در سه مرحله پژوهش آورده می‌شود.

جدول ۲. مشخصات و ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در سه مرحله پژوهش

مرحله اول: روش پنل خبرگان					
میزان / تعداد		مشخصه	میزان / تعداد		مشخصه
۰	۱ تا ۱۰ سال	سابقه خدمت	۰	۲۰ تا ۳۰ سال	سن
۱	۱۱ تا ۲۰ سال		۱	۳۱ تا ۴۰ سال	
۴	۲۱ تا ۳۰ سال		۴	۴۱ تا ۵۰ سال	
۱	۳۰ سال به بالا		۱	۵۰ سال به بالا	
۰	کارشناسی	تحصیلات	۲	سیاسی	حوزه اجرایی
۰	کارشناسی ارشد		۲	اجرایی (اقتصادی، اجتماعی و...)	
۶	دکتری		۲	دانشگاهی و پژوهشی	
مرحله دوم: روش نظریه داده بنیاد					
۱	۱ تا ۱۰ سال	سابقه خدمت	۱	۲۰ تا ۳۰ سال	سن
۶	۱۱ تا ۲۰ سال		۵	۳۱ تا ۴۰ سال	
۶	۲۱ تا ۳۰ سال		۷	۴۱ تا ۵۰ سال	
۱	۳۰ سال به بالا		۱	۵۰ سال به بالا	
۰	کارشناسی	تحصیلات	۳	سیاسی	حوزه اجرایی
۱	کارشناسی ارشد		۴	اجرایی (اقتصادی، اجتماعی و...)	
۱۳	دکتری		۷	دانشگاهی و پژوهشی	
مرحله سوم: روش کمی دلفی تعدیل شده					
۰	۱ تا ۱۰ سال	سابقه خدمت	۰	۲۰ تا ۳۰ سال	سن
۲	۱۱ تا ۲۰ سال		۳	۳۱ تا ۴۰ سال	
۵	۲۱ تا ۳۰ سال		۴	۴۱ تا ۵۰ سال	
۱	۳۰ سال به بالا		۱	۵۰ سال به بالا	
۰	کارشناسی	تحصیلات	۲	سیاسی	حوزه اجرایی
۰	کارشناسی ارشد		۲	اجرایی (اقتصادی، اجتماعی و...)	
۸	دکتری		۴	دانشگاهی و پژوهشی	

۱. modified classic Delphi

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش قبلی بررسی شد، پژوهش حاضر با استفاده از روش ترکیبی و رویکرد نسبی متوالی با وزن نابرابر^۱ به بررسی موضوع می‌پردازد. در مرحله اول که به منظور استخراج محورهای موضوعی از روش پنل خبرگان (آنلاین) استفاده شد، مواردی چون: «سازوکارهای نفوذ سیاسی؛ رابطه بین دولت و سایر اқشار و گروه‌ها؛ ترتیبات نهادی روابط و تعاملات؛ شرایط و وضعیت محیط و جو سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور؛ احزاب و گروه‌های تأثیرگذار؛ نوع نظام سیاسی و دولت حاکم؛ روابط قوا» به‌عنوان محورهای موضوعی استخراج شدند. در مرحله دوم که از روش نظریه داده‌بنیاد بهره برده شد، با استفاده از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین، ابتدا مصاحبه‌ها گردآوری شدند، سپس به صورت متن به متن آورده شده و کدگذاری انجام شد. در مرحله بعدی، از تجمیع کدهای مشابه و متجانس، کدهای باز استخراج شدند. سپس در مرحله بعد، با توجه به قرابت مفهومی و محتوایی کدهای باز، هریک از کدهای محوری استخراج شدند و در مرحله آخر نیز همین ترتیب برای استخراج و احصای کدهای انتخابی مورد استفاده قرار گرفت. این رویکرد استقرایی نشان‌دهنده شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد مرتبط با موضوع اصلی هستند. لازم به ذکر است که به‌منظور جلوگیری از طولانی شدن مطالب؛ این موارد در قالب جدول ۴ توضیح داده می‌شوند و از آوردن مطالب کامل در جداول صرف نظر می‌شود. نمونه‌ای از این مطالب در جدول ۳ آورده شده‌اند.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدهای باز

نشانه‌گر	کد باز	گویه / گزاره
PC ² 1	قرابت فرایند خطمشی‌گذاری و نظام سیاسی	آن چه مسلم است، این است که فرایند خطمشی‌گذاری هر کشوری منعکس‌کننده منویات و اقدامات و... آن کشور بوده و نظام سیاسی و حکمرانی آن کشور را نشان می‌دهد.
PC2	نقش مهم فرایند خطمشی‌گذاری	تفاوت بیشتر کشورها در فرایند خطمشی‌گذاری بوده و مهم‌ترین قسمت یا مرحله این فرایند را می‌توان در شناخت یا تعریف مسئله، و سپس در تنظیم دستور کار دانست.
PC3	نقش حیاتی نفوذ و قدرت در فرایند تنظیم دستور کار	نفوذ و قدرت دو مبحث بسیار مهم و حیاتی در فرایند خطمشی و مفاهیم متعاقب آن بوده و هستند.
PC4	نوع نظام سیاسی	اصولاً نوع نظام حاکمیتی و نوع حکومت سیاسی به‌عنوان بستر و زمینه اصلی در این حوزه موضوعی هستند.
PC5	نقش محوری حکمرانی	از آن جایی که این مقوله در فرایند خطمشی‌گذاری به‌عنوان کلید ورود یا مدخل اصلی بوده است، لذا تأثیرپذیری آن از نوع شاکله سیاسی و حکمرانی غیرقابل چشم‌پوشی است.
PC6	اهمیت فرایند تنظیم دستور کار	نکته قابل ذکر این است که تنظیم دستور کار در فرایند خطمشی به‌عنوان نقطه آغازین این فرایند بوده و هر قصور و اشتباه عمدی یا سهوی در آن، خسارات و پیامدهای منفی و حتی غیرقابل جبرانی را به بار خواهد آورد.
.....

در ادامه، کدگذاری‌های پژوهش اعم از کدهای محوری و کدهای انتخابی در جدول ۴ نشان داده شده‌اند.

¹. Partially mixed sequential dominant status design

². Point Code (PC)

جدول ۴. نمایش کدگذاری‌های پژوهش

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
نوع نظام حاکمیتی	نوع حکومت و حکمرانی، خرده نظام‌های سیاسی، نظام سیاسی حاکم	PC ¹ +....+PC13
تصمیمات و برنامه‌های دولت	سیاست‌ها و تدابیر دولت؛ برنامه‌های راهبردی دولت؛ احکام و اسناد بالادستی؛ کارآمدی و اثربخشی برنامه‌های دولت	PC14+....+PC21
نظام و زیرنظام‌های خطمشی‌گذاری	نظام‌های باور خطمشی، نفوذپذیری نظام‌های خطمشی، تفکرات و ایده‌های خطمشی	PC22+....+PC32
ارزش‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی	فرهنگ جامعه (عامه)، تفکرات ایدئولوژیکی، نظام ارزشی کشور، خرده فرهنگ‌های کشور	PC33+....+PC45
نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ	تأثیر زیاد گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ در فرایند خطمشی‌گذاری؛ تأثیر گروه‌های فشار؛ سازوکارهای تأثیرگذاری بر فرایند تنظیم دستورکار	PC46+....+PC57
جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی	برگزاری جلسات تعامل محور؛ قدرت سیاسی متمرکز؛ تقسیم و توزیع قدرت؛ ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	PC58+....+PC64
توجه به منفعت عامه	ارتباط و مشارکت با تمامی اقشار و بخش‌ها؛ شهروندمحوری؛ اولویت منافع جمعی بر منافع فردی و گروهی	PC65+....+PC78
نوع الگو یا مدل خطمشی‌گذاری	الگو یا مدل مطلوب خطمشی‌گذاری، مدل‌های ترکیبی	PC79+....+PC82
گفتمان‌سازی	همکاری و تخصص‌گرایی در فرایند خطمشی‌گذاری، ایجاد بستر تعامل محور	PC83+....+PC95
مشارکت همه‌جانبه	مشارکت عامه در دستورکار خطمشی‌ها؛ بسیج عمومی؛ مشارکت، انسجام و همکاری متولیان و ذی‌نفعان	PC96+....+PC106
گروه‌های ائتلاف مدافع	کانون‌های فکری، سیاست پژوهی، قدرت و دوام ائتلاف‌ها	PC107+....+PC112
برنامه‌ریزی و مدیریت منابع	مدیریت زمان و منابع، برنامه‌ریزی دقیق و راهبردی	PC113+....+PC122
لابی‌کردن	اختلافات سیاسی و جناحی؛ تعارض منافع؛ توزیع قدرت در گروه‌ها؛ ارتباطات غیررسمی	PC123+....+PC1134
تاکتیک‌های نفوذ	نفوذ معکوس؛ نفوذ موردی؛ نفوذ مداخله جویانه، نفوذ خلاقانه بازیگران عرصه سیاسی	PC135+....+PC140
استفاده از سازوکارهای سیاسی	سازوکار مذاکره و گفت‌وگو؛ دیپلماسی سیاسی؛ سازوکارهای تهاجمی و تدافعی	PC141+....+PC152

¹. Point Code (PC)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
اتاق‌های فکر	مخازن فکری؛ کانون تفکر گروه‌ها؛ مدل نخبگان، کارآفرینان خطمشی	PC153+....+PC162
شبکه‌های خطمشی	شبکه‌سازی، شبکه حکمرانی، مدیریت شبکه‌ها، شبکه میان‌سازمانی، شبکه‌های بازیگران	PC163+....+PC179
پیامدهای مثبت	هماهنگی و انسجام فرایند؛ اجماع گروه‌ها، پیشبرد امور صعب‌الوصول، هماهنگی و مشارکت نهادها، گروه‌ها و...	PC180+....+PC213
پیامدهای منفی	تغییر جهت فرایند تنظیم دستورکار، واکنش بیش از حد و یا کم‌توجهی به خطمشی، قطبیدگی سیاسی، تدوین خطمشی‌های حزبی و جناحی	PC214+....+PC241

تحقق کفایت نظری

مطابق با رویکردهای مطرح در روش‌های کیفی، معیار برازش کیفیت و همچنین، توقف فرایند گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش پژوهش «داده‌بنیاد»، حصول «کفایت نظری» است؛ به این معنا که ادامه پژوهش تغییری در مفاهیم و یا مؤلفه‌های آشکار شده حین پژوهش، در پی نداشته باشد. جدول زیر چگونگی تحقق این معیار در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

جدول ۵. فرایند ظهور مفاهیم و مؤلفه‌ها تا مرز کفایت نظری

مورد	تعداد کدهای باز	تعداد مفاهیم	تعداد مؤلفه‌ها	تعداد ابعاد
A	۶۱	۶	۵	۱
B	۱۱۲	۱۲	۶	۲
C	۵۷	۶	۴	۱
D	۳۱	۷	۵	۲
.....
N	۵۷	۶	۷	۱
مجموع	۲۴۱	۹۱	۶۳	۱۹

فرایند آشکار شدن ۹۱ مفهوم، ۶۳ مؤلفه و ۱۹ بعد؛ به تفکیک مطالعات انجام‌شده در جدول فوق ارائه شده است. همان‌طور که مشخص است، در هر چهارده مطالعه، تغییرات تأثیرگذاری در جریان مفاهیم و مؤلفه‌های شکل‌گرفته در جریان پژوهش حاصل نشده که به معنای تحقق معیار «کفایت نظری» است. با توجه به کدگذاری‌های انجام‌شده در پژوهش، و با بهره‌گیری از رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین، از مجموع ۲۴۱ کد باز، ۶۳ کد محوری و در نهایت ۱۹ کد انتخابی حاصل شدند که در راستای تبیین مبث مورد بررسی، مقوله‌بندی‌های انجام‌شده در شش دسته زیر بررسی و توضیح داده می‌شوند.

شرایط علی: نوع نظام حاکمیتی، تصمیمات و برنامه‌های دولت، نظام و زیرنظام‌های خطمشی‌گذاری، ارزش‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی، نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ.

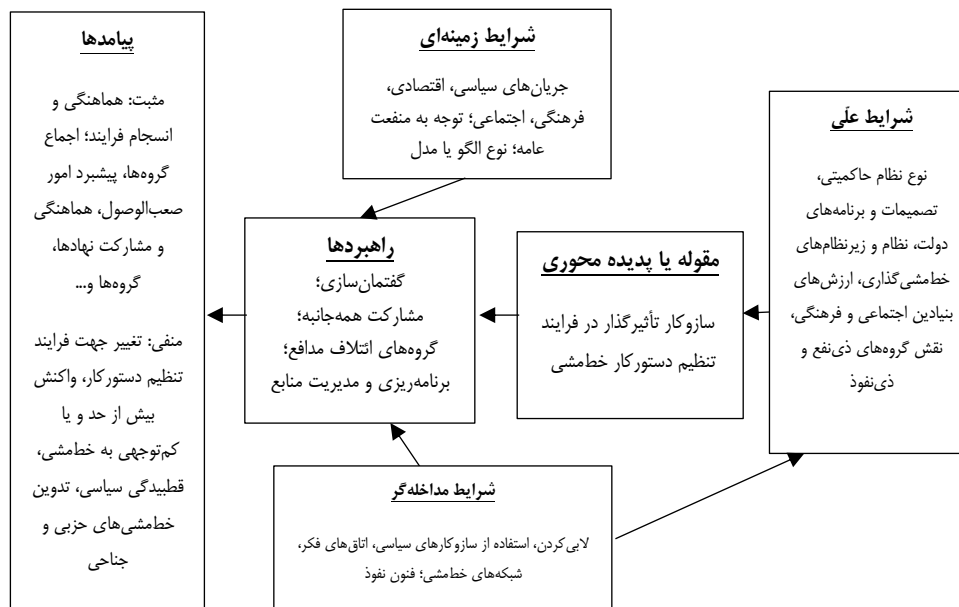
زمینه: جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی؛ توجه به منفعت عامه؛ نوع الگو یا مدل خطمشی‌گذاری.

مقوله محوری: سازوکار تأثیرگذار در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی.

راهبردها: گفت‌وگو، مشارکت همه‌جانبه؛ گروه‌های ائتلاف مدافع؛ برنامه‌ریزی و مدیریت منابع.

شرایط مداخله‌گر: لابی کردن، استفاده از سازوکارهای سیاسی، اتاق‌های فکر، شبکه‌های خطمشی؛ فنون نفوذ.

پیامدها: پیامدهای مثبت: هماهنگی و انسجام فرایند؛ اجماع گروه‌ها، پیشبرد امور صعب‌الوصول، هماهنگی و مشارکت نهادها، گروه‌ها و...؛ پیامدهای منفی: تغییر جهت فرایند تنظیم دستورکار، واکنش بیش از حد و یا کم‌توجهی به خطمشی^۱، قطبیدگی سیاسی، تدوین خطمشی‌های حزبی و جناحی.



شکل ۲. الگوی واکاوی و تبیین نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی

همان‌طور که در الگوی بالا ملاحظه می‌شود، نوع نظام حاکمیتی، تصمیمات و برنامه‌های دولت، نظام و زیرنظام‌های خطمشی‌گذاری، ارزش‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی، نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ به‌عنوان اصلی‌ترین شرایط علی در نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی هستند که در این زمینه، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. عواملی مانند «جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی؛ توجه به منفعت عامه؛ نوع الگو یا مدل خطمشی‌گذاری» به‌عنوان زمینه‌ای در راستای ایجاد راهبردهای این مقوله هستند که منتج به «گفتمان‌سازی؛ مشارکت همه‌جانبه؛ گروه‌های ائتلاف مدافع؛ برنامه‌ریزی و مدیریت منابع» می‌شوند. سازوکارهایی چون «لابی‌کردن، استفاده از سازوکارهای سیاسی، اتاق‌های فکر، شبکه‌های خطمشی؛ فنون نفوذ» به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در این زمینه هستند که تأثیرات زیادی را در فرایند فوق ایجاد می‌کنند. در رابطه با نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی می‌توان به دو پیامد اصلی آن اشاره کرد: پیامدهای مثبت «هماهنگی و انسجام فرایند؛ اجماع گروه‌ها، پیشبرد امور صعب‌الوصول، هماهنگی و مشارکت نهادها، گروه‌ها و...» و پیامدهای منفی «تغییر جهت فرایند تنظیم دستورکار، واکنش بیش از حد و یا کم‌توجهی به خطمشی، قطبیدگی سیاسی، تدوین خطمشی‌های حزبی و جناحی» که در کدگذاری‌های حاصل از روش نظریه داده‌بنیاد استخراج شدند.

مرحله سوم /مرحله کمی/؛ روش پژوهش دلفی که یکی از مهم‌ترین روش‌هاست براساس مؤلفه‌های استخراج‌شده، در دور یا راندهای^۲ متعدد با هدف دستیابی به اجماع در مورد موضوع و پاسخ‌های آن انجام می‌شود (Meershoek et al., 2021). این روش، دارای رویکردهای مختلفی است. دلفی تعدیل‌شده به‌عنوان یکی از گونه‌های مهم روش دلفی است که نظرات گروه متخصص را

1. Policy Over- and Underreaction

2. RAND

جمع‌آوری کرده و مورد بررسی قرار می‌دهد. این فرایند در چند دور متوالی انجام می‌شود تا زمانی که توافق حاصل شود (Murphy et al., 2019). در این مرحله از پژوهش، از خبرگانی استفاده شد که جزء اساتید و پژوهشگران دانشگاه هستند و به‌صورت خاص و دقیق روی این حوزه موضوعی پژوهش‌های علمی و پژوهشی معتبری را انجام داده‌اند.

به‌دلیل شیوع ویروس کرونا، پرسشنامه‌ها از طریق ایمیل و به صورت الکترونیکی ارسال شدند و در آن از متخصصان پرسیده شد که علاوه بر موارد آورده شده در فایل، کدام شاخص یا مؤلفه‌ای را زائد یا نیازمند تغییر می‌دانند تا پژوهشگر آن‌ها را در دور بعدی دلفی مورد توجه قرار دهد. شیوه کار به این صورت است که برای هر نتیجه (نمره ۱ تا ۹ از اولویت) و میانگین کلی برای تعیین میزان ارتباط آن‌ها محاسبه شد و سپس شاخص اختلاف نظر (DI) برای تعیین سطح توافق محاسبه شد. $DI < 1$ نشان‌دهنده توافق است و نمره نزدیک به صفر نشان‌دهنده توافق قوی‌تر است. میانگین ۱-۳ با توافقی ($DI < 1$) نشان می‌دهد که مؤلفه مورد نظر مناسب نیست (Dijkstra et al., 2020: 7). در نتایج اخذ شده، تنها دو مؤلفه «پیشبرد امور صعب‌الوصول» و «تغییر جهت فرایند تنظیم دستور کار» نتوانستند مورد توافق قرار گیرند و حذف شدند.

پس از احصای نتایج دور اول، دور دوم دلفی شروع شد و هدف آن تعیین ارتباط میان مؤلفه‌هایی بود که توسط متخصصان بررسی شده بود. مجدداً از طریق ایمیل، متخصصان یک فایل با نتایج دور اول دریافت کردند و برای هر یک از مؤلفه‌ها از مقیاس لیکرت مشابه با دور اول استفاده شد. علاوه بر این، متخصصان این فرصت را داشتند که پیشنهادهایی را برای بهبود مؤلفه‌ها، مانند رفع ابهام در واژه‌ها و... ارائه دهند. تجزیه و تحلیل مانند دور اول بود و این کار منجر به ایجاد یک رویه نظام‌مند در کار شد.

دور سوم: بحث گروهی در مورد نمرات مربوطه

نتایج دور دوم نشان داد که بحث گروهی برای تفسیر مؤلفه‌ها بسیار مطلوب است. در دور سوم، نتایج اولیه و مغایرت‌ها برای بحث در مورد (۱) ابهامات در نمرات مربوطه، (۲) بحث در مورد مؤلفه‌ها و امتیاز آن‌ها (سطح توافق)، و (۳) نظرات و پیشنهادهای لازم برای سایر مؤلفه‌ها انجام شد.

با توجه به تحلیل‌های آماری انجام‌شده، میانگین نمرات احصا شده در جدول ۶ به ترتیب اهمیت آورده شده‌اند.

جدول ۶. نتایج حاصل از دلفی تعدیل‌شده

مؤلفه	میانگین	اهمیت	مؤلفه	میانگین	اهمیت
گروه‌های ائتلاف مدافع	۳/۴	۱۰	نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ	۴/۹	۱
پیامدهای مثبت	۳/۳	۱۱	استفاده از سازوکارهای سیاسی	۴/۷	۲
لابی کردن	۳/۲	۱۲	شبکه‌های خطمشی	۴/۴	۳
اتاق‌های فکر	۳	۱۳	نوع نظام حاکمیتی	۴/۱	۴
پیامدهای منفی	۲/۹	۱۴	نظام و زیرنظام‌های خطمشی‌گذاری	۳/۹	۵
جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی	۲/۸	۱۵	فنون نفوذ	۳/۸	۶
توجه به منفعت عامه	۲/۶	۱۶	ارزش‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی	۳/۷	۷
گفتمان‌سازی	۲/۵	۱۷	تصمیمات و برنامه‌های دولت	۳/۶	۸
برنامه‌ریزی و مدیریت منابع	۲/۴	۱۸	مشارکت همه‌جانبه	۳/۵	۹
نوع الگو یا مدل خطمشی‌گذاری	۲/۳	۱۹			

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، خبرگان مشارکت‌کننده در مرحله سوم پژوهش، نسبت به تأیید مؤلفه‌های استخراج‌شده نظر مساعدی داشته و این موارد به ترتیب اهمیت در جدول بالا مشخص شده‌اند.

¹. The disagreement index (DI)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی و تبیین نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی انجام شد که با استفاده از روش ترکیبی، در سه رویکرد کیفی-کیفی- کمی انجام گرفت. اقشار و گروه‌های مختلفی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی ایفای نقش می‌کنند که یکی از سازوکارهای اصلی آن‌ها، قدرت و نفوذ سیاسی است. اندیشمندان حوزه‌های خطمشی‌گذاری و علوم سیاسی توجه ویژه‌ای را به این مقوله اختصاص داده‌اند و این جنبه‌ها را به‌عنوان کلیدی‌ترین سازوکارهای فرایند تنظیم دستورکار معرفی کرده‌اند. مطابق با یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌ها و عوامل مختلفی در این زمینه شناسایی شدند که در قالب شش دسته اصلی نظریه داده‌بنیاد دسته‌بندی شدند.

در تبیین یافته‌های حاضر می‌توان تأکید کرد که قدرت و نفوذ سیاسی، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از پویایی‌های کلان سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم دستورکار خطمشی عمومی ایفا می‌کنند. همان‌طور که دانائی فرد (۱۴۰۳) نیز خاطرنشان می‌کند، درک این پویایی‌ها به‌عنوان «عقبه فرایند خطمشی‌گذاری عمومی» حائز اهمیت است؛ چرا که شکل و محتوای خطمشی‌ها را رقم زده و کیفیت پاسخگویی به نیازهای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، برای دستیابی به پیامدهای مثبت و کاهش اثرات منفی نفوذ سیاسی، حرکت به سمت شفافیت، تقویت نهادهای پاسخگو و ترویج فرهنگ مشارکت پایدار میان بازیگران، نه تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی محسوب می‌شود.

ادبیات مربوط به قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار، راه نیمه تمامی را پیموده است و ایده‌های شهودی و تجربی، بیش از پژوهش‌های آکادمیک ایفای نقش می‌کنند. همان‌طور که در بخش‌های قبلی نیز گفته شد، این پدیده می‌تواند جوانب و رویکردهای مختلفی را داشته باشد و دیدگاه‌های مرسوم آن را به چالش بکشند. یکی از نتایج اصلی این پژوهش، شناسایی نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی است که از منظر خبرگان شناسایی و دسته‌بندی شدند. یکی از نتایج خاص پژوهش حاضر در پس این نکته نهفته است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراج‌شده در این پژوهش، نشان‌دهنده اهمیت و اولویت بالای فرایند دستورکار است که بایستی در هنگام تدوین و حتی اجرای خطمشی عمومی، بیش از پیش مورد توجه و تدقیق قرار گیرد. مواردی چون: نوع نظام حاکمیتی، تصمیمات و برنامه‌های دولت، نظام و زیرنظام‌های خطمشی‌گذاری، ارزش‌های بنیادین اجتماعی و فرهنگی، نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ به‌عنوان عوامل علی هستند که به مقوله محوری، یعنی قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی تأثیر می‌گذارند. همچنین، زمینه‌هایی چون جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی؛ توجه به منفعت عامه؛ نوع الگو یا مدل خطمشی‌گذاری در این زمینه بر راهبردهایی چون گفت‌وگو، مشارکت همه‌جانبه؛ گروه‌های ائتلاف مدافع؛ برنامه‌ریزی و مدیریت منابع تأثیر می‌گذارند. در نهایت، مقوله‌هایی چون لابی‌کردن، استفاده از سازوکارهای سیاسی، اتاق‌های فکر، شبکه‌های خطمشی؛ فنون نفوذ به‌عنوان شرایط مداخله‌گر هستند که بر راهبردها تأثیرگذارند و این پیوند و تسلسل تأثیر و ارتباطی موجب می‌شود تا این مقوله محوری، پیامدهایی را داشته باشد. یکی دیگر از نتایج اصلی حاصل شده در این پژوهش، «پیامدهای» قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی است که در دو مقوله مثبت و منفی دسته‌بندی شده‌اند. در پیامدهای مثبت، «هماهنگی و انسجام فرایند؛ اجماع گروه‌ها، پیشبرد امور صعب‌الوصول، هماهنگی و مشارکت نهادها، گروه‌ها و...» به‌عنوان پدیده‌های مثرمتر و قابل قبول در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند منجر به هم‌رقابتی (همکاری و رقابت) اقشار و گروه‌های مختلف شوند که هم‌افزایی ظرفیت‌های آن‌ها، یکی از پیامدهای اصلی است که در اکثر کشورها، به آن‌ها توجه می‌شود. اما در رویکرد مقابل، یعنی پیامدهای منفی؛ «تغییر جهت فرایند تنظیم دستورکار، واکنش بیش از حد و یا کم‌توجهی به خطمشی، قبطیدگی سیاسی، تدوین خطمشی‌های حزبی و جناحی» است که ممکن است منجر به فنون سیاسی سخت‌تر و تهاجمی‌تری مانند توزیع نابرابر قدرت سیاسی گروه‌ها و اقشار، فساد، و اتخاذ رویکردهای غیرقانونی و غیرانسانی شوند (بنافی و قرشی، ۱۳۹۹). به همین منظور ملاحظه می‌شود که نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستورکار خطمشی، می‌تواند هم به‌صورت مثبت و هم به‌صورت منفی در نظر گرفته شود. درهم تنیدگی منافع، اولویت‌های اساسی طیف‌ها و گروه‌ها؛ تکثر بازیگران و خطمشی‌ها و... در این گذار، موجب ترغیب

آن‌ها در نفوذ بر فرایند تنظیم دستور کار می‌شود که از دیرباز تاکنون، تغییرات سیاسی و ساختاری بسیاری را در کشورها موجب شده است. از همین رو در بیشتر محافل دانشگاهی و اجرایی، این مقوله به مثابه یک رویکرد متکثر و چندبعدی، ابعاد و دیدگاه‌های متعددی را شامل می‌شود که نیازمند تبیین و واکاوی دقیق هستند. همچنین، یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر هم‌سو با نتایج پژوهش‌های اسکولوفسکی و هفرون^۱، ۲۰۲۲؛ گلاز و نویگ^۲، ۲۰۱۹؛ پرال^۳، ۲۰۰۳، ۲۰۰۶؛ گوکیند^۴، ۲۰۱۸؛ استون^۵، ۲۰۱۱؛ فریدمن و واچتر^۶، ۲۰۰۱ است. در ادامه، توصیه‌های سیاستی در این زمینه مطرح خواهند شد. نوآوری‌های اصلی پژوهش حاضر از چند بعد قابل بررسی هستند. یکی از نوآوری‌های اصلی پژوهش حاضر از منظر موضوع یا عنوان است که در حوزه‌ای جدید و خاص -دستور کار- انجام شده است. دومین نوآوری از نقطه نظر روش‌شناختی است که در سه مرحله کیفی - کیفی - کمی و با تنوع بالایی از خبرگان این حوزه انجام شده است. همچنین، مطابق با یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌هایی چون «نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ؛ توجه به منفعت عامه؛ گفتمان‌سازی؛ مشارکت همه‌جانبه» در کمتر پژوهشی ملاحظه شده‌اند و به‌عنوان نوآوری پژوهش در نظر گرفته می‌شوند. گرچه تعدادی از این موارد در ادبیات نظری پژوهش‌های مربوط یافت می‌شوند، اما در این پژوهش به‌صورت دقیق در فرایند تنظیم دستور کار در نظر گرفته شده‌اند. فصل مشترک این موارد در نقش مشارکتی و تعاملی آن‌ها در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی است که در این پژوهش، به‌عنوان چند مؤلفه مجزا در نظر گرفته شده است.

باتوجه به یافته‌ها و نتایج حاصل از پژوهش، می‌توان موارد ذیل را در قالب توصیه‌های خطمشی در نظر گرفت:

- از آن‌جایی که نقش قدرت و نفوذ سیاسی در فرایند تنظیم دستور کار خطمشی به‌صورت کامل و دقیق مشخص و مبرهن نیست، یعنی به‌عبارتی در موقعیت‌های مختلف و تحت شرایط و زمان‌های مختلفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ لذا پیشنهاد می‌شود اتخاذ رویکرد مدیریت اقتضایی^۷ مدنظر قرار گیرد تا پیامد منفی این مقوله در روابط بازیگران خطمشی (نهادهای، سازمان‌ها، طیف‌های گوناگون و...) منعکس و جاری نشود.
- توصیه دوم می‌تواند در قالب یک موضوع مهم و بسیار حیاتی در نظر گرفته شود که بیشتر کشورها به‌دنبال پیاده‌سازی و اجرای آن هستند: «شفافیت»^۸. به دلیل متکثر بودن مفهوم شفافیت، در این پژوهش می‌توان به شفافیت فرایندهای تأثیرگذار در تنظیم دستور کار خطمشی و روابط بازیگران خطمشی (نهادهای، گروه‌ها و احزاب و...) اشاره کرده که به‌عنوان یک تضمین اساسی در این فرایند محسوب می‌شود. نظام‌های سیاسی و حاکمیتی می‌توانند با اتخاذ سازوکارهای شفافیت، پدیده‌های منفی و سوء این مقوله را به حداقل رسانده و در راستای ایجاد روابط پایدار و سالم میان بازیگران خطمشی، مثمرتر باشند.
- توصیه سوم در زمینه استفاده از خبرگان و نخبگان در فرایند تنظیم دستور کار است. اگرچه این امر بدیهی است و در بسیاری از کشورها از جمله کشور خودمان انجام می‌شود، اما نیاز است قبل از تنظیم دستور کار، از نظرات و پیشنهادهای این خبرگان استفاده شده و در زمینه اجرایی‌سازی آن‌ها بهره لازم را برد. به همین سبب است که بسیاری از کشورها در این مرحله از کار گروه‌های تخصصی استفاده می‌کنند.
- نظام‌های سیاسی می‌توانند بسترهایی را فراهم کنند تا بازیگران خطمشی (نهادهای، سازمان‌ها، طیف‌های گوناگون و...) بتوانند در فرایند تنظیم دستور کار در شرایط سالم و عدالت‌محور قرار گیرند تا هماهنگی و انسجام فرایند؛ اجماع گروه‌ها، پیشبرد امور صعب‌الوصول، مشارکت و... حاصل شود.

1. Sokołowski & Heffron

2. Glass & Newig

3. Pralle

4. Goodkind

5. Stone

6. Freedman and Wachter

7. Contingency management

8. Transparency

مآخذ

- ابوالحسنی رنجبر، احمد؛ دانش فرد، کرم الله؛ فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۹۶). ارائه الگوی دستورکار خطمشی‌های اصلاح نظام اداری در ایران. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۹ (۴): ۶۱۵-۶۴۰.
- بنافی، مسعود؛ قرشی، سیدمجتبی (۱۳۹۹). نقش ابزارهای نرم در ایجاد پیامدهای سخت در حکمرانی: پیوندی بین خطمشی‌گذاری و حقوق (مورد مطالعه: شاخص قاچاق انسان). *مطالعات مدیریت دولتی ایران*. ۳ (۴): ۱۵۲-۱۲۷.
- دانائی‌فرد؛ حسن (۱۴۰۳). تعامل «سیاست» و «خطمشی‌های عمومی»: فرصتی برای پیشرفت یا چالشی برای مخدوش کردن عدالت؟ *مطالعات مدیریت دولتی ایران*. ۷ (۱): الف-ج ج.
- دانشفرد، کرم‌اله (۱۳۹۵). *فرآیند خطمشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات صفار.
- سجادی، موسی؛ رسولی، مریم؛ عباس‌زاده، عباس؛ و علوی مجد، حمید (۱۳۹۲). روش‌های پژوهش ترکیبی: گونه‌شناسی. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۳ (۲): ۶۶-۵۴.
- مصری، مهران؛ فرجوند، اسفندیار (۱۴۰۰). فساد مشروع؛ چرایی فسادخیز بودن نظام‌های سیاسی. *فصلنامه مدیریت دولتی*. ۱۳ (۱): ۱۸۱-۱۵۵.
- Abolhasani, A., daneshfard, K. and faghihi, A. (2018). An Agenda Setting for the Reformation Policies of Administrative System in Iran. *Journal of Public Administration*, 9(4), 615-640. [in Persian]
- Alston, L. J.; Melo, M. A; Mueller, B & Pereira, C. (2006). *Political Institutions, Policymaking Processes and Policy Outcomes in Brazil*. Inter-American Development Bank (IDB) <https://publications.iadb.org>.
- Arts, B., van Tatenhove, J., 2004. Policy and power: a conceptual framework between the 'old' and 'new' policy idioms. *Policy. Sci.* 37 (3-4), 339-356.
- Bacevic, J., & Nokkala, T. (2018). *Agenda Setting and Policy Development, Higher Education*. In P. Teixeira, & J. Shin (Eds.): *Encyclopedia of International Higher Education Systems and Institutions*. Springer Netherlands. 1-137
- Bachrach, P., & Baratz, M. (1962). *The Two Faces of Power*. *American Political Science Review* 56 (4): 947-952.
- Banafi, M., & Ghorashi. S.M. (2020). The Role of Soft Instruments in Creating Hard Consequences in Governance: A Link between Public Policy and Law Case Study: Trafficking in Person Report. *Journal of Iranian Public Administration Studies*. 3(4). 127-152. [in Persian]
- Birkland, T. A. (2019). *An Introduction to the Policy Process Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*. Fifth Edition. NY: Routledge.
- Brisbois, M. C. (2020). Shifting political power in an era of electricity decentralization: Rescaling, reorganization and battles for influence. *Environmental Innovation and Societal Transitions*. 36 (2020): 49-69.
- Capano, G & Howlett, M. (2020). *A Modern Guide to Public Policy Elgar Modern Guides*. English: Edward Elgar Publishing.
- Charmaz, K., (2000). *Grounded Theory: Objectivist and Constructivist Methods*. Sage Publications, Thousand Oaks, CA, 509-536.
- Choldin, Harvey M. (1997). How Sampling Will Help Defeat the Undercount. *Society*. 34 (3): 27-30.
- Clegg, S.R., (1989). *Frameworks of Power*. London: Sage.,
- Colak, G.; Gounopoulos, G.; Loukopoulos, P. & Loukopoulos, G. (2021). Political power, local policy uncertainty and IPO pricing. *Journal of Corporate Finance*. 67 (2021): 101907.
- Corbin, J., Strauss, A., (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications.
- Creswell, J. W. (2009). *Research design: Qualitative and mixed methods approaches*. *London and Thousand Oaks: Sage Publications*.

- Dahl, R.A., (1961). *Who Governs? Democracy and Power in an American City*. Yale University Press, New Haven.
- DanaeFard, H. (2024). The Interplay between “Politics” and “Public Policies”: An Opportunity for Progress or a Challenge to Distort Justice?. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 7(1), A-GG. [in Persian]
- Daneshfard, K. (2016). *The process of public policymaking*. Tehran: Safar Publications. [in Persian]
- DeLeon, P. (1999). The stages approach to the policy process: what has it done? Where is it going? P. Sabatier (Ed.), *Theories of the Policy Process*, Westview, Boulder (1999), pp. 19-32.
- Dijkstra, N. E., De Baetselier, E., Dilles, T., Van Rompaey, B., da Cunha Batalha, L. M., Filov, I., ... & Sino, C. G. (2020). Developing a competence framework for nurses in pharmaceutical care: A Delphi study. *Nurse Education Today*, 104, 104926.
- Dye, T. R. (2017). *Understanding Public Policy*. Boston, MA: Pearson.
- De LaCruz, P; Eduardo Acosta, L; Mendoza, D; Bello Baltazar, E; Minerva Arce Ibarra, A & EstradaLugo, E. I.J. (2020). Indicators of well-being among indigenous peoples of the Colombian Amazon: Tensions between participation in public policy making and autonomy. *Environmental and Sustainability Indicators*. 7 (44): 1-14.
- Erasmus E, Gilson L. (2008) How to start thinking about investigating power in the organizational settings of policy implementation. *Health Policy Plan*. 23(5): 361–8.
- Franke, J. L. (1987). Support for aging policy: Self-interest, social justice, and political symbols. *Journal of Aging Studies*. 1(4): 393-406.
- Freedman, David A., and Kenneth W. Wachter. 2001. “Census Adjustment: Statistical Promise or Illusion.” *Society*. 39 (1): 26–33.
- Gilson L, Raphaely N. (2008). The terrain of health policy analysis in low and middle income countries: a review of published literature 1994–2007. *Health Policy Plan*. 2008; 23(5): 294–307.
- Glass, L-M & Newig, J. (2019). Governance for achieving the Sustainable Development Goals: How important are participation, policy coherence, reflexivity, adaptation and democratic institutions?. *Earth System Governance*. 2 (2019): 100031. <https://doi.org/10.1016/j.esg.2019.100031>
- Goodkind, Nicole. (2018). Puerto Rico’s Hurricane Maria Power Outage Is Now the World’s Second Largest Blackout. *Newsweek*, April 12. Accessed January 27, 2019. www.newsweek.com/puerto-ricopower-hurricane-maria-blackout-882549.
- Hiratsuka, J; Perlaviciute, G & Steg, L. (2018). Testing VBN theory in Japan: Relationships between values, beliefs, norms, and acceptability and expected effects of a car pricing policy. *Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behaviour*. 53 (1): 74-83.
- Howlett, M. & Cashore, B. (2014). *Conceptualizing public policy*. I. Engeli, C.R. Allison (Eds.), *Comparative Policy Studies: Conceptual and Methodological Challenges*, Palgrave Macmillan UK, London (2014), pp. 17-33.
- Howlett, M; Ramesh, M & Perl, A. (2020). *Studying Public Policy: Policy Cycles and Policy Subsystems*. Oxford University Press; 4th edition.
- Khodyakov, D; Hempel, S; Rubenstein, L & Shekelle, P. (2011). Conducting Online Expert panels: A feasibility and experimental replicability study. *Medical Research Methodology*. 11(1): 174.
- Krott, M., Bader, A., Schusser, C., Devkota, R., Maryudi, A., Giessen, L., Aurenhammer, H., (2013). Actor-centred power: the driving force in decentralised community-based forest governance. *Forest Policy Econ*. 49(1), 34–42.
- Kugelberg, S; Bartolini, F; ... & Leip, A. (2021). Implications of a food system approach for policy agenda-setting design. *Global Food Security*. 28 (2021): 100451.
- Lifson, Alan. (2000). “Vaccines Have Made World a Different, Better Place.” *Minneapolis Star-Tribune*, February 5, 15A.
- Lilley, Ray. (1998). *Mayor Warns Blackout Could Continue for 10 Days in New Zealand*. Associated Press via LexisNexis, February 23.
- Lukes, S., (1974). *Power. A Radical View*. Macmillan, London.

- Maor, M. (2017). *Disproportionate Policy Response*. In *Politics: Oxford Research Encyclopedias*, Oxford University Press.
- Mesri, M. and Farajvand, E. (2021). Legitimate corruption; The Reason for the Corruption-Proneness of the Political Systems. *Journal of Public Administration*, 13(1), 155-181. [in Persian]
- Mwisongo, A., Nabyonga-Orem, J., Yao, T., & Dovlo, D. (2016). The role of power in health policy dialogues: lessons from African countries. *BMC health services research*, 16(Suppl 4), 213.
- Niemeier, H-M. (2021). Is economics good for aviation policy? Some problems in bridging the gap between theory and policy. *Journal of Air Transport Management*, 96 (2021): 102107.
- Martin, Margaret E., Martin R. Frankel, Noreen Goldman, Daniel G. Horvitz, Joseph B. Kadane, Graham Kalton, Samuel H. Preston, Bruce D. Spencer, Michael A. Stoto, and Franklin D. Wilson. (1984). "Report of the ASA Technical Panel on the Census Undercount." *American Statistician*. 38 (4): 252–56.
- Meershoek, A. J.A.; de Waard, D. D; Trappenburg, J; Zeebregts, C, J; Bulbulia, R; Kappelle, J & de Borst, G. J. (2021). Clinical Response to Procedural Stroke Following Carotid Endarterectomy: A Delphi Consensus Study. *European Journal of Vascular and Endovascular Surgery*. 62 (3): 350-357.
- Monteblanco, A. D. (2021). The COVID-19 pandemic: A focusing event to promote community midwifery policies in the United States. *Social Sciences & Humanities Open*, 3(1): 100-104.
- Murphy, J.P; Rådestad, M; Kurland, L; Jirwe, M; Djalali, A & Rüter, A. (2019). Emergency department registered nurses' disaster medicine competencies. An exploratory study utilizing a modified Delphi technique. *International Emergency Nursing*. 43 (2019). 84-91.
- Nowell, L; Norris, J; White, D & Moules, N. (2017). Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria. *International Journal of Qualitative Methods*. Volume 16: 1–13.
- Perlaviciute, G & Squintani, L. (2020). Public Participation in Climate Policy Making: Toward Reconciling Public Preferences and Legal Frameworks. *One Earth*, 2 (4): 341-348.
- Pillay, T. D. & Skordis-Worrall, J. (2013). South African health financing reform 2000–2010: Understanding the agenda-setting process. *Health Policy*. 109 (3): 321-331.
- Pralle, S. B. (2003). "Venue Shopping, Political Strategy, and Policy Change: The Internationalization of Canadian Forest Advocacy." *Journal of Public Policy*. 23 (3): 233–60.
- Pralle, S. B. (2006). *Branching Out, Digging in: Environmental Advocacy and Agenda Setting*. Washington, DC: Georgetown University Press.
- Resodihardjo, S. L. (2022). *The Agenda-Setting Process and Crises: Toward a Conceptual Framework*. NY: Oxford University Press.
- Sajjadi, M., Rassouli, M., Abbaszadeh, A., & Alavi Majd, H. (2013). Mixed methods research: Typology. *Medical Journal of the Islamic Republic of Iran*, 3(2), 54-66. [in Persian]
- Šálka, J; Dobšinská, Z & Hricová, Z. (2021). Factors of political power — The example of forest owners associations in Slovakia. *Forest Policy and Economics*. 68 (2016): 88-98.
- Schneider, A; & Ingram, H. (1993). The Social Construction of Target Populations: Implications for Politics and Policy. *American Political Science Review*. 87 (2): 334–48.
- Scott, W.R., (2001). *Institutions and Organizations*. SAGE Publications, Thousand Oaks.
- Sokolowski, M & Heffron, R.J. (2022). Defining and conceptualising energy policy failure: The when, where, why, and how. *Energy Policy*. 161 (2022): 112745.
- Stone, D. A. (2011). *Policy Paradox: The Art of Political Decision Making*. 3rd edn. NY: W. W. Norton & Company.
- Thompson, A. E; Feinman, G. M; Lemly, M & Prufer, K. M. (2021). Inequality, networks, and the financing of Classic Maya political power. *Journal of Archaeological Science*. 133 (2). 105441.
- Tortajada, C., Koh, R., Bindal, I., & Lim, W. K. (2021). Compounding focusing events as windows of opportunity for flood management policy transitions in Singapore. *Journal of Hydrology*, 599, 126345.
- Vance, A; Siponen, M. T & Straub, D. W. (2020). Effects of sanctions, moral beliefs, and neutralization on information security policy violations across cultures. *Information & Management*. 57 (4): 103212.

- Williams, G; Pirret, A; Credland, N; Odell, M; Raftery, Ch; Smith, D; Winterbottom, F & Massey, D. (2022). A practical approach to establishing a critical care outreach service: An expert panel research design. *Australian Critical Care*. Available online 24 March 2022
- Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on conducting a systematic literature review. *Journal of planning education and research*, 39(1), 93-112.
- Xu, S., Sun, K., Yang, B., Zhao, L., Wang, B., Zhao, W., ... & Su, M. (2021). Can public participation in haze governance be guided by government? Evidence from large-scale social media content data mining. *Journal of Cleaner Production*, 318, 128401.
- Zhang, Jiekuan. (2021). Impacts of the emissions policies on tourism: An important but neglected aspect of sustainable tourism. *Journal of Hospitality and Tourism Management*. 47(4). 453-461.
- Zau, Jiaying; Kang Jian; Ma, Hui & Wang, Chao. (2020). Grounded theory-based subjective evaluation of traditional Chinese performance buildings. *Applied Acoustics*. 168 (2): 107417.